

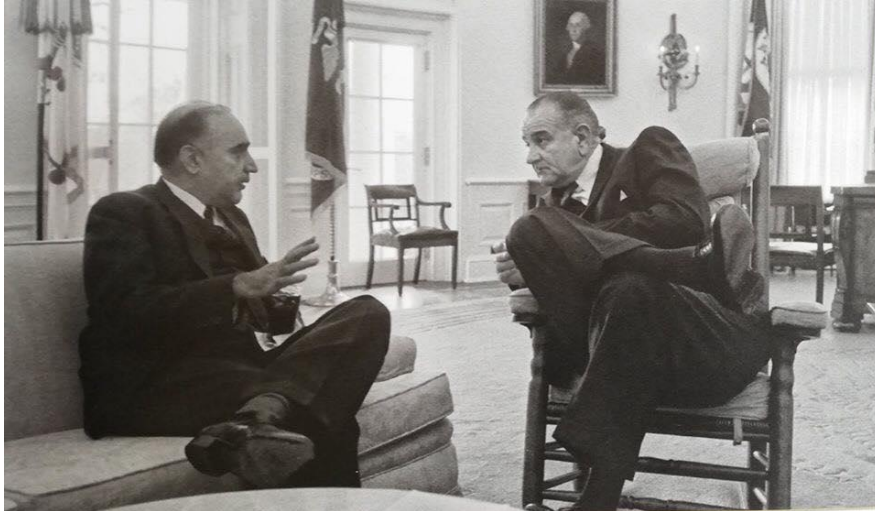
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



شیکاگو - امریکا ۲۰۲۰/۱۰/۰۸

محمد یونس

میوند وال و حامیاننش



شهید میوندوال و لیندن جانسن رئیس جمهور امریکا: طرز نشست غیر دیپلماتیک و صحبت خودمائی

چند روز قبل در نظرخواهی عنوانی محترم داکتر صاحب کاظم چند جمله نوشتم. اکنون آن را یک کمی توسعه داده به شکل مضمون به شما دوستان ارسال می نمایم.

مضامین شما در مورد شهادت و سیر زندگی شهید میوندوال بسیار آموزنده است. درینجا می خواهم یک نکته را علاوه نمایم که شهید میوندوال یک غریب بچه بود، چطور توانست زینه های پیشرفت را در نظام شاهی آنوقت به سرعت ببیماید؟ شما میدانید که در سالیان اول نظام شاهی بعد از بچه سقو، دکتاتوری و حشنتاکی در افغانستان حکمفرما بود که کمتر کسی جرئت مخالفت با نظام آنوقت را داشت. روی همین دلیل تعداد زیاد از مبارزان راه آزادی سر به نیست شدند. در چنین یک فضای مختنق، پیشرفت کار آسانی نبود ولو که یک شخص لایق هم می بود. از بزرگان آگاه شنیدم که استاد سلجوقی یکی از کسانی بود که برای نظام طرفدار و جاسوس جلب میکرد و اشخاص خوش کرده را زیر نظر و تربیه می گرفت. باز هم به قول بزرگان استاد سلجوقی سه نفر را مانند آقای رشتیا، آقای پژواک و شهید میوندوال را در استخدام گرفت و آنها را برای نظام پرورش داد. معذرت میخوام که بگویم در افغانستان شهید میوندوال را به نام مخیر سی ساله می گفتند. ناممکن است که نظام شاهی آنوقت کسی را در پست های حساس بگمارد بدون اینکه سرسپردگی نداشته باشد. این یک اصل کلی در تمام نظام ها است. ما می بینیم که ترمپ با کمترین سؤطن حتا دوستان نزدیک خود را بدور انداخته است. اینکه شهید میوندوال بعد از صدراعظم شدن از نظام رو بر می گرداند، خود به یک تحلیل جداگانه ضرورت دارد. این معمول است هر کسی که از صحنه بدور انداخته شود، مخالف آن نظام میشود. دوستان ترمپ حالا دشمنان او هستند. بایست گفت که وظایف شهید میوندوال در خارج از کشور، برای او دوستان زیاد خارجی را خلق نمود که فکر میشود در خط سیر حیات سیاسی اش بی تأثیر نبوده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اینکه امروز یک عده از حامیان شهید میوندوال می خواهند که از او یک فرد استثنائی بسازند، یک موضوع کاملاً شخصی آنها است. یک یا دو شخص را می شناسم که در زمان کار و محصلی شان در پوهنتون کابل بعد از آوازه ارتباط میوندوال به سی آی ای (واقعیت را خدا میداند) در مظاهرات با سایر چپی های آنوقت شعار ضد میوندوال را سر میدادند و حالا می خواهند که به مکر و فریب به حال وی خون گریه کنند. همان اشخاص ضد نظام شاهی هم بودند و حالا می خواهند که نادر شاه را بالاتر از شاه امان الله معرفی نمایند. یک تن از متعصبین در زمانش بعد از نشر جلد اول تاریخ استاد شهیر مرحوم غبار، این کتاب را ستایش میکرد. لاکن بعد از نشر جلد دوم در امریکا و افشای روش های ضد انسانی پیشوای نژاد پرستش، به ناسزاگویی به آن شخصیت بزرگ تاریخ آغاز نموده است. در زمان رویکار شدن جمهوریت شهید داوود خان، بسیار خوشحالی میکرد و آن را تحول بزرگ می دانست ولی حالا او را هجو می کند. یک عده انسان های نابخرد دیگر با گذشته تاریک و مشکوک هم به بالا کشیدن استثنائی میوندوال و ملامت کردن داوود خان می پردازند. درین جا عقده ها و موضوعات شخصی را نمیتوان نادیده گرفت. عناصری به دفاع از شهید میوند وال برخاسته اند که خود و حتا پدران شان سابقه رشوت خوری داشته و در گذشته همین مردم دشمن میوند وال بودند و کاسه لیس داوود خان. اگر این ها شهامت می داشتند در همان زمان صدای مخالفت را علیه جمهوریت داوود خان بلند می کردند و تاریخ می ساختند. به مرده هر کس لگد می زند.

منتقدین داوود خان تعدادی از کسانی اند که چوکی های خود را در زمان صدارت و یا جمهوریت از دست دادند. تعدادی از تاجران ضد ملی زیر تعقیب قرار گرفتند. تعدادی از والیان رشوه خوار و حکام چلوس و مردارخور از کار برکنار شدند. دست یک عده از قاچاقبران اشیای لوکس و دزدان حرفه ئی از ارتکاب اعمال ناجایز گرفته شد. این نوع دلایل است که یک عده می خواهند به قول آقای مومند "افرازات دماغی و شکمی" خود را بیرون دهند. ناگفته نباید گذاشت که هیچ فردی به شمول شهید داوود خان کامل نبود و نیست و در آینده هم انسان کامل روی زمین نخواهد آمد. لاکن این هم را باید گفت که داوود خان از ده ها تن افراد خانواده اش و از هزار ها تن افراد عادی کشور پاک تر و شریف تر بود. دشمن رشوت خوار، دشمن خاین به میهن و دشمن خودسری و خود فروشی بود. اگر صفات بد و ضد انسانی را میداشت هرگز روس ها در صدد کودتا نمی شدند و افغانستان را به خاک یک سان نمی کردند. در مقابل هیچ اجنبی سر خم نکرد و طوق بردگی را نپذیرفت. با عزت زندگی کرد و با شهامت از دنیا برفت که قاتلان به حیرت رفته اند.

شهید میوندوال مانند سایر رهبران کشور زیاد به دموکراسی عقیده نداشت. دلیلش هم این است که در زمان صدارتش با مخالفان به شدت رفتار می کرد تا آنها را از ابراز نظر علیه خودش مانع گردد. حساسیت نشان دادن شهید میوندوال هر کس را مظنون ساخت که چرا میوندوال بعد از "اتهام وارده" در مورد روابط احتمالی اش با سی آی ای، آنقدر عصبانی شده بود. خدا نکند که ضرب المثل قدیم "زد به سر خود پر دارد" در مورد شهید میوند وال تطبیق گردد. اگر شهید داوود خان را در مورد قتل یا "خودکشی" میوند وال مقصر بدانیم، پس چرا ظاهر شاه را به ارتباط کشتار های کاکا هایش هاشم خان و شاه محمود خان مقصر نپنداریم. آیا خون بهای محمد هاشم میوند وال بالاتر از خون بهای ده ها هزار نفر است که در زمان نظام شاهی نابود شدند؟ البته این دلیل دفاع از نابودی شهید میوند وال نیست.

می خواهم بدانم که چرا جمهوریت داوود خان صرف میوند وال و دوستان او را دستگیر کرد و یک عده را اعدام و یک عده را زندانی ساخت. دشمنان اصلی داوود خان کسانی بودند که در کمیته قانون اساسی سال 1964 فعالیت داشتند، مانند آقایان رشتیا، فرهنگ، حامد، شفیق و دیگران. در شب کودتا و روز های بعد، از تمام اینها، تنها شهید موسی شفیق مدتی زندانی بود که بعداً رها شد. هیچ فرد دیگر از گروه کمیته ای قانون اساسی که دشمنان اصلی داوود خان بودند صدمه ندید در حالیکه همیشه از جا دادن ماده 24 در قانون اساسی لاف می زدند که آنها داوود خان را از صحنه ای سیاسی کشیدند. در واقعیت این تصمیم پادشاه، شاه ولی خان و عبدالولی بود و داوود خان این را میدانست که اعضای کمیته قانون اساسی آله دستی بیش نبودند. به هر صورت، اگر داوود خان در صدد انتقام گیری میبود، اول باید اعضای کمیته ای قانون اساسی را جزا میداد که نکرد. پس چرا میوند وال و دوستانش، اگر توطیه ای در کار نمی بود. هر کس حق دارد نظری بدهد و نظر من هم همین است.